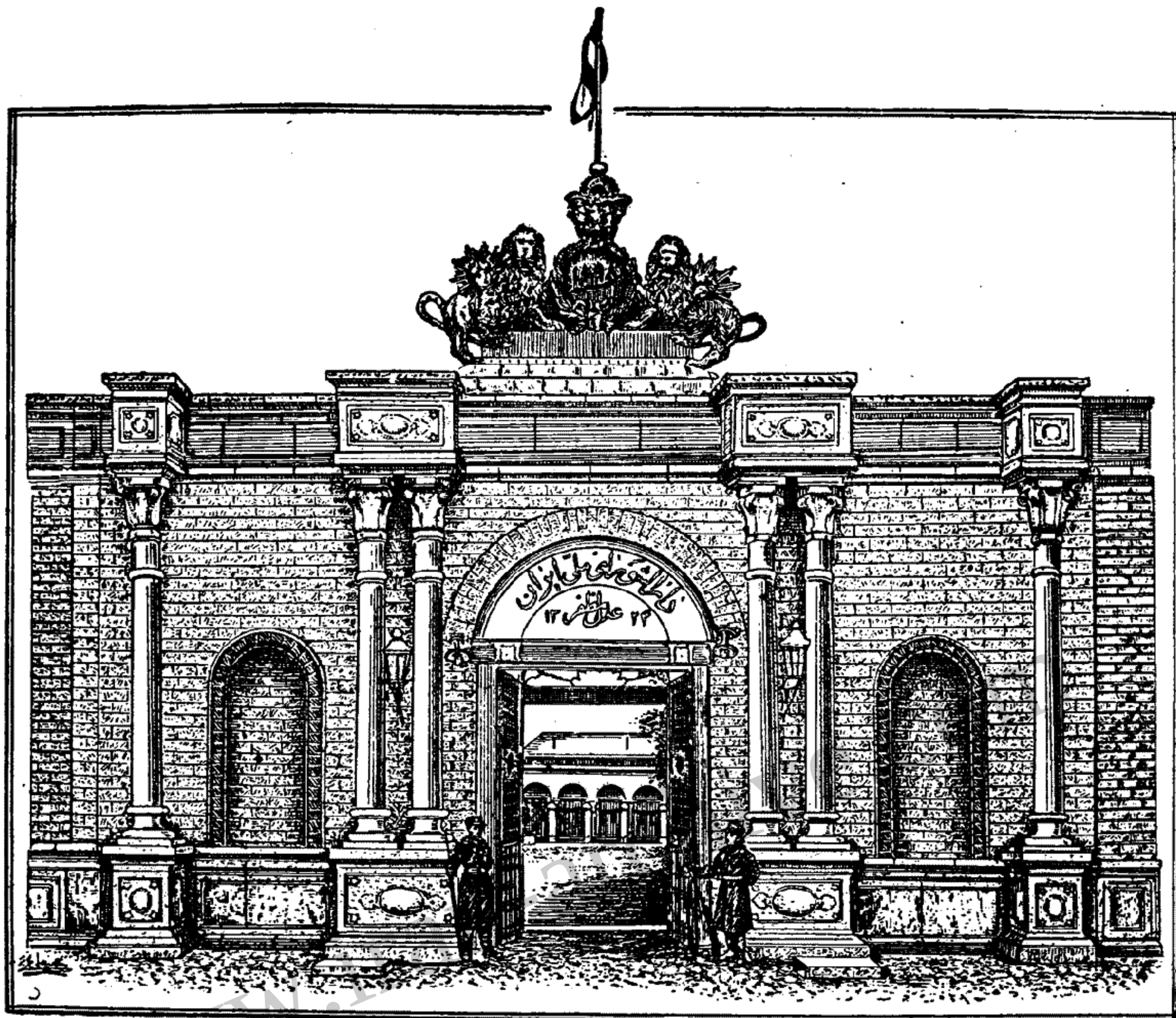
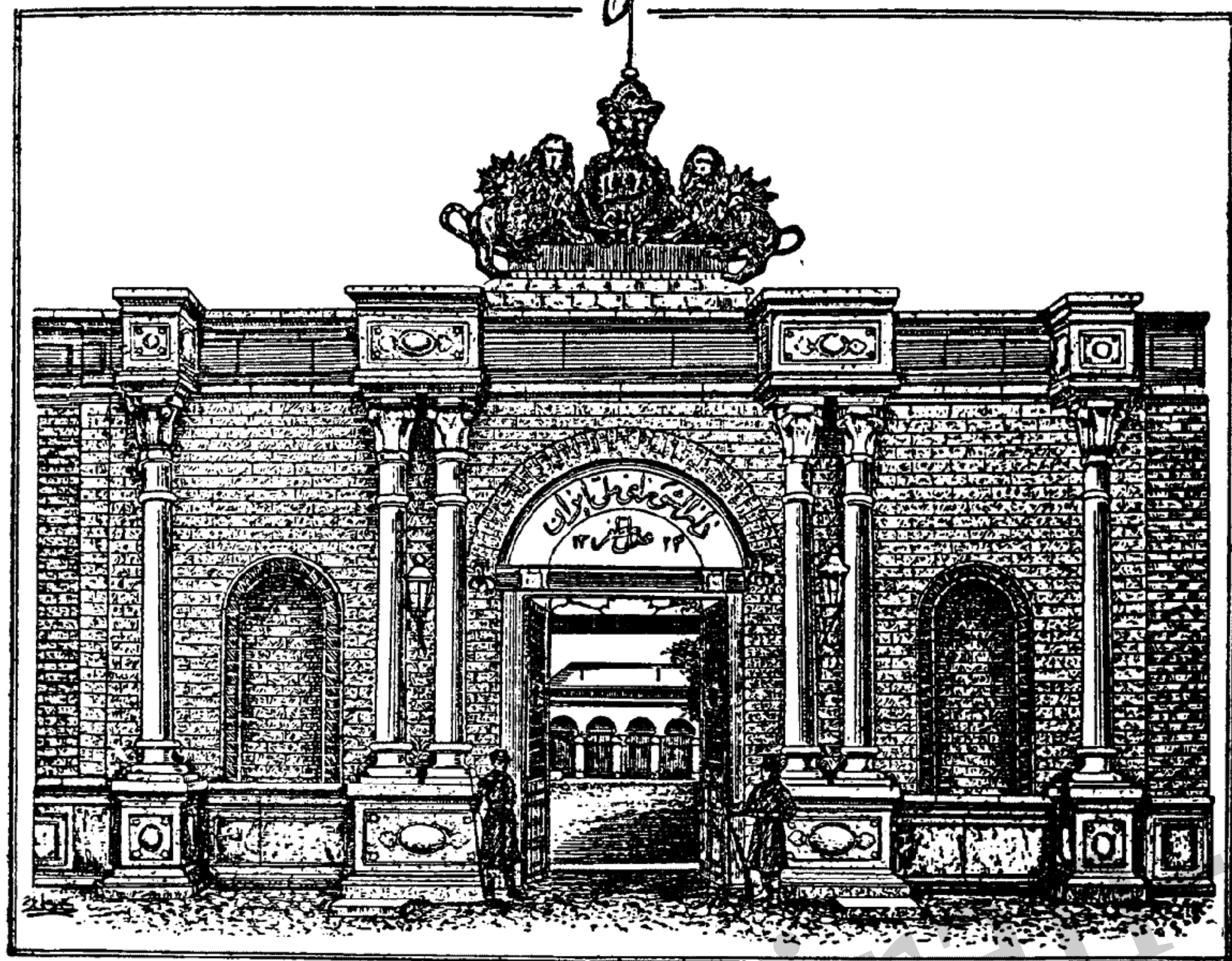




دوره هفتم تقنینیه

شماره ۳۲	مذاکرات مجلس	جلسه ۳۲
قیمه اشتراك داخله ايران ساليانه ده تومان خارجه « دوازده تومان ~~~~~ قیمه تك شماره يك قران	مندرجات فقط شامل مذاكرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود ~~~~~ پس از ختم هر جلسه كليه مذاكرات در يك شماره منتشر میشود ~~~~~ مطبعة مجلس	تاريخ تأسيس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۳۰۷ ~~~~~ مطابق ۲ شوال المکرم ۱۳۴۷

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	نصوب مرخصی های آقایان ارباب کیخسرو (دوازده روزه) - حیدری (یک ماهه) دبستانی (چهارده روزه) - امیر ابراهیمی (یک ماهه)	۵۰۶	۵۰۷
۲	شورائی و نصوب قانون معافیت ورود نقره از حقوق گمرکی	۵۰۷	۵۱۶
۳	قانون آزادی ورود نقره و طلا و معافیت آنها از تأدیه حقوق گمرکی	۵۱۶	



مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يوم پنجشنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲ شوال لکرم ۱۳۴۷

جلسه ۳۲

(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر)
 آقایان : عبدالحسین خان دیبا - فخمی - آشتیانی
 مصباح فطمی - ذوالقدر - تیمور رش - محمد آخوند
 غائبین بی اجازه جلسه قبل
 (صورت مجلس ليله يكشنبه نوزدم اسفند را آقای اورنگ قرائت نمودند)

آقایان: حیدری - طباطبائی دیبا - میرزا حسن خن
و ثوق - محسن خان قرا گوزلو - عمادی - بالیزی -
اکبر میرزا مسعود - الفت - موفر - قوام - حاج
وحیم آقا - میرزا ابوالفضل - امیر حسین خان ابلخان
محمد نقی خان اسعد - آقا رضا مهدوی - شیخعلی مدرس
حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - ارباب
کیخسرو شاهرخ -

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: کاشانی - ظفری -

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: طهرانی - غلامحسین میرزا مسعود

رئیس - آقای امیر حسین خان در صورت مجلس
فرمایشی دارید؟

امیر حسین خان - چون بنده را غایب بی اجازه
نوشته بودند خواستم عرض کرده باشم که بنده اجازه
خواسته بودم و بمقام ریاست هم تقدیم کرده بودم

رئیس - آقای بالیزی

بالیزی - بنده هم مریض بودم و از کمیسیون بودجه
اجازه خواسته بودم حالا بنده نمیدانم کمیسیون غفلت
کرده اند یا اعمال نفوذ خصوصی کرده اند.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده هم میخواستم عرض کنم که قبلا اجازه
خواسته بودم

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

چند فقره خبر مرخصی رسیده است قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای ارباب کیخسرو بواسطه دستور
ساختمان مقبره فردوسی مجبور بحرکت به آن صوب شده

و از تاریخ ۱۸ اسفند ماه ۱۲ روز تقاضای مرخصی نموده
کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و اینک خبر آن تقدیم
میکرد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چون آقای ارباب کیخسرو بجهت
ساختن يك حلی میروند و حقوق فوق العاده هم نمیکیرند
بنده مخالف نیستم

رئیس - آقایانیکه با دفاع این خبر موافقت قیام
فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

خبر مرخصی آقای حیدری

نماینده محترم آقای حیدری بموجب تلگرافی که بمقام
منبع ریاست عرض نموده بواسطه گرفتاری و انجام امور
شخصی و نوعی مولکین خود تقاضای یکماه تمدید مرخصی
از تاریخ یازدهم اسفند ماه نموده اند کمیسیون
تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن تقدیم
میکرد

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چندی قبل آقای حیدری اجازه
مرخصی خواسته بودند حالا برای کار خودشان با ملت بنده
نمیدانم ولی همینقدر میدانم که کار ملت را بایستی در
اینجا کرد بنده با آن مرخصی ایشان مخالف بودم باین
هم مخالفم آقای حیدری باید بکفداری هم ملاحظه بکنند
که لا اقل حقوق نگیرند بلکه بعقیده من باید شرافت
انسانیت ایشان هم مانع از گرفتن حقوق باشد آخریست
سرهم مرخصی خواستن با استفاده از حقوق بنده گمان
نمیکتم سزاوار باشد این است که کاملا مخالفم
سید مرتضی و ثوق (مخبر کمیسیون) - آقای حیدری

میشیند خانه اش و او را مینویسند غایب بدون اجازه
مثل حاج حسن آقا ملک که اجازه هم نمیکبرد و حقوق
هم نمیکبرد آقای دبستانی به کرمان رفته اند و خواسته اند
برگردند راه مسدود بوده است بنده از آقای فیروزآبادی
میپرسم در يك موقعی که راه بکلی مسدود است بچه
وسیله میتوان حرکت کرد؟ بنا بر این حضرتعالی خوبست
موافقت بفرمائید و یقین بدانید که آقایان نمایندگان

انجام وظیفه را بر هر چیزی مقدم میدانند

رئیس - آقایان موافقت با مرخصی آقای دبستانی
قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

خبر مرخصی آقای امیر ابراهیمی

نماینده محترم آقای امیر ابراهیمی بواسطه کسالت
مزاج و گرفتاری شخصی مسافرت خود را بکرمان لازم
دانسته و تقاضای يك ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده
کمیسیون تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن
تقدیم میگردد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - موافقم

رئیس - مخالفی نیست آقایان موافقت با این مرخصی
قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع

بقانون نقره مطرح است

(شرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون قوانین مالیه در پیشنهاد آقایان اورنگ و
فرشی مطالعه و دقت نموده بملاحظه اینکه نظر آقایان
امروز هم محفوظ است لذا ماده الحاقیه را لازم ندانسته و

بموجب تلگرافی که کرده اند مرخصی ایشان برای يك
کارهائی بوده است که مصلحت بوده است در محل توقف
داشته باشند و راجع بمولکین خودشان هم بوده است و
بنده حالا نمیکخواهم در اینجا تصریح کنم ولی برای يك
اختلافاتی بوده است که مجبور بوده اند در آنجا بمانند
تا رفع آن اختلافات بشود به این جهت کمیسیون هم با
مرخصی ایشان موافقت کرد.

رئیس - رای میگیریم بمرخصی آقای حیدری آقایان
موافقت فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد

خبر مرخصی آقای دبستانی

نماینده محترم آقای دبستانی از مرخصی بیست روزه
سابق بواسطه مسدود بودن راه و نرسیدن بمقصد نتوانسته
اند استفاده نمایند و تقاضای چهارده روز تمدید مرخصی
نموده کمیسیون تقای معزی الیه را تصویب و اینک خبر
آن تقدیم میگردد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی متأسفم که مرخصی ها
در قیام يك مرخصی بود حالا يك مرخصی دیگر هم بهم
چسبیده شده بنده نمیدانم یعنی چه؟ خوب اگر آقایان
کار شخصی دارند بروند پی کار خودشان ولی حقوق نباید
بگیرند چرا سیصد تومان از خزانه مملکت میگیرند؟
خیال کنند چهار روز بیشتر برای ملت کار کرده اند
بنده گمان میکنم که این قضیه از مجلس بیرون برود
و سرمشق جاهای دیگر بشود

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که آقای فیروز آبادی با مرخصی
مخالفت میکنند و چون عادت کرده اند بنده هم به ایشان
حق میدهم بنده هم موافقم که باید به کار کمر حق داد
ولیکن تصدیق بفرمائید که اگر نماینده حقوق نخواهد اصلا

رایت آن را تقدیم میدارد.

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای بوشهری قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بند پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود: دولت مکلف است در موقع تسلیم نقره به ضرابخانه برای تبدیل آن به سکه رایج مملکت صدی ده علاوه بر حق الضرب معمولی کنونی از آورنده آن دریافت نماید.

رئیس - آقای بوشهری

بوشهری - اولاً از حضور آقایان نمایندگان محترم استدعا میکنم در این مطلب مهم اجازه فرمایند در اطراف ماده الحاقیه پیشنهادی خودم يك قدری بیشتر توضیح بدهم. با آزادی ورود نقره همانطوریکه دولت لایحه آورده ما کاملاً موافقیم که ورود نقره آزاد باشد برای اینکه تشویقی از صنایع ایران بشود. ولی اگر بخواهند این نقره را بیاورند به ضرابخانه که تبدیل به سکه رایج مملکت بشود البته آنوقت دولت باید در نظر بگیرد که باعث تنزل نقره نشود. امروز بواسطه قیمت شمش در اروپا میخواهیم نقره وارد کنیم بدون پرداخت کمرک (چون کمرک را دولت برداشته است) اگر بخواهیم نقره را در ایران آورده و سکه کنیم تقریباً برای هر هزار مثقال نقره که از اروپا بخواهیم بیاوریم هفده لیره و شش شلینگ باید پول بدهیم. در مقابل این هزار مثقال ضرابخانه هزار و بیست و پنجقران بها سکه قران بدهد میشود هر لیره شش تومان و سه قران و چهار صد دینار یا یازصد دینار مخارج حمل و ترابه و بیمه و حتی تنزیل شش ماهه شمش برای معطلی سکه شدن کسر میشود و تقریباً پنجاه و شش قران و چهار صد دینار یا ده شاهی برای آورنده نقره باقی میماند مسلم است با این ترتیب چون نقره حکم مال التجاره را دارد بمحض اینکه این قانون تصویب شد تجار البته می بینند که دولت از یکطرف منع کرده و ورود سکه را پس معلوم میشود وسائل سکه کردن را خودش دارد

از يك طرف هم قیمت نقره را سنجش میکنند با قیمت قرانی که در اینجا عایدشان میشود می بینند نقره وارد کنند يك مقداری عایدشان میشود مقدار زیادی نقره وارد مملکت ما میشود. این نقره را اگر دولت سکه کند برای مردم البته فوراً لیره ترقی میکند و پول ما تنزل خواهد کرد تنزل پول هم باعث تنزل زندگانی ما خواهد شد چون صدی پنجاه صدی شصت مخارج هر فرد ایرانی می رود بابت اجناسی که از اروپا می آید بواسطه ترقی لیره شاید زندگانی مان صدی ده تا صدی پانزده تفاوت میکند ثروت افراد هم بهمان تناسب تفاوت خواهد کرد چون واحد پول ما امروز نقره است ثروت افراد از روی طلای دنیا باید تقویم شود اگر امروز يك تاجری را دارای پنجاه هزار تومان ثروت با سرمایه میدانند این را همیشه به لیره یا طلا در نظر میگیرند و اگر لیره چهار تومان و هشت قران پنج تومان و شش قران شد البته بهمان تناسب کسر خواهد شد و اعتبار آن تاجر هم تفاوت خواهد کرد صادرات ما هم چون نسبت واردات کمتر است این کسر و نقصان صادراتمان هم زیاد خواهد شد بنده پیشنهاد کردم در موقع ضرب سکه دولت يك صدی ده اضافه از حقوقی که امروزه میگیرد دریافت کند. اگر این صدی ده را ما از هزار و بیست قران موضوع کنیم دولت میبایستی هر هزار مثقال نقره و بیست و دو قران و ده شاهی بصاحب شمش بدهد با این ترتیب که حساب کنیم مطابق مظنه امروز لیره در حدود پنج تومان باقی خواهد ماند و این يك موضوعی است که دولت باید نسبت به لیره در نظر بگیرد که پول ما در حدود و اطراف پنج تومان نسبت به لیره تعبیر شود.

اگر این پیشنهاد بنده اجرا شود عایدات دولت را هم باید به بینیم چه خواهد شد. بموجب احصائیه وزارت مالیه در سیصد و شش سه میلیون تومان در طهران در ضرابخانه سکه شده است.

شش میلیون هم اجازه داده شده در خارجه سکه شده و بایران آمده این نه میلیون میشود. اگر دولت در

مقابل هزار مثقال نقره و بیست و دو قران و ده شاهی بدهد سه کسور تومان عایدات دولت خواهد شد علاوه بر اینکه سه کسور عایدی مسلمی برای دولت پیدا شده جلوی بیری از تنزل پول ما هم خواهد شد. هزار مثقال نقره که به ضرابخانه می رود هزار و صد و سه قران و ده شاهی بیرون میدهد. در ضرابخانه نصد و بیست و دو قران که بدهند بصاحب شمش برای هر هزار مثقال که صد تومان باشد هیجده تومان و دو قران عاید دولت میشود.

اگر نه میلیون نباشد سه میلیون هم که باشد باز يك کسور تومان عایدات دولت میشود.

حالا اگر دولت نتوانست سکه کند این نقره را که وارد میشود باز هم يك ضرر فوق العاده بمردم خواهد خورد. قانونی دو سال قبل راجع به منع خروج طلا از مملکت ایران در مجلس شورای ملی تصویب شد. همه انتظار داشتیم شاید این قانون طلاهایی که در مملکت ما وارد شده برای ما نگاهدارد و در دست ما بماند ولی نتیجه بعکس داد. سابقاً يك مقدار زیادی لیره طلا از سرحدات شمال وارد مملکت ما میشد و از طرف غرب خارج میشد در حین عبور يك استفاده هائی به اهلی میداد حتی خود دولت هم يك استفاده از بابت حمل و نقل و بیمه از آنها میگرفت. این قانون که تصویب شد لیره ها دست مردم ماند در داخله هم که رواج نداشت تاجر هم که نمیتوانست روز وعده برایش بگوید من لیره طلا دارم از طرفی هم نمیتوانست آنها را برای فروش بخارج حمل نماید این بود که بطور قاچاق آن لیره ها را خارج کردند. از طرف شمال هم وقتی دیدند بازار لیره در ایران کساد است دیگر وارد نشد و تمام لیره ها در دست مردم ماند و يك ضرر هائی بردند بعد هم لیره ها خارج شد و جایش هم چیزی در دست مردم نماند. شاید اگر آقایی درست دقت فرموده باشند تا دو سه سال پیش چندین میلیون عین لیره در دست مردم بود ولی امروز شما در بازار طهران پنج هزار لیره اگر بخواهید پیدا کنید پیدا نمیشود. بنده در کمیسیون

این توضیحات را حضور آقای وزیر مالیه عرض کرده به بنده فرمودند خوب صدشش که ما بیشتر کمرک نمی خواهیم از بین ببریم چرا تا بحال تجاوز نقره وارد نمیکردند خواستم جوابشان را عرض کرده باشم که مظنه تفاوت میکند. امروز ارزان تر از آن روز است. امروز بیست و شش یعنی يك انس نقره است. صدی شش کمرکش را هم که حساب کنید لیره برای آورنده شمش چهار تومان و هشت قران الی نه قران دست می آید و چون مظنه لیره هم در طهران در همین حدود بود مسلماً صرف نمیکرد ولی امروز پنج تومان عاید آورنده شمش است. مسلم است امروز که این قانون تصویب شد فوراً مقدار زیادی نقره خواهند آورد. عرض کردم اگر دولت سکه نکند حکم طلا را پیدا میکند و تاجر مجبور میشود شمش را بدهد يك اشخاص و يك قیمت بخس فروشد و دو مرتبه آن نقره را بطور قاچاق از مملکت خارج کنند.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

وزیر مالیه - مذاکراتی که نماینده محترم کردند راجع موضوع اضافه حق الضرب البته آقایان تصدیق میکنند که اضافه کردن يك مبلغ عایدی برای دولت خصوصاً اگر آن حسابی را که نماینده محترم این جا کردند صحیح بود و تطبیق میکرد با جریان کار این یکی از موضوعاتی است که هیچوقت يك وزیر مالیه با آن مخالفت نخواهد کرد مگر اینکه يك معایب باطنی دیگری داشته باشد که این ظاهر او را بپوشاند و ممکن باشد عوض اینکه نفعی از این کار برسد يك زیان هم ایجاد شود. این جا يك نکته هست این نکته را بایستی قبلاً حل کرد به بینیم اصل ضرب و ضرابخانه آیا مال دولت هست یا نه؟

کازرونی - مال دولت است.

وزیر مالیه - بسیار خوب يك مملکتی که واحد پولش نقره است ضرب نقره یکی از وظائف و خصایص آن مملکت باید باشد. پس در حقیقت ضرب کردن پول نقره که واحد رسمی مملکت است یکی از اعمال دولتی و خزانه داری دولتی باید باشد. حالا میخواهیم

به بینیم چه بوده! و چه شده! و از کجا این عمل پیش آمده است ضرب نقره این طور بوده که يك تاجار و يك مؤسسائی نقره را میتوانند برونند بخرند بدهند بضایخانه و سراب خانه هم يك حق الضربی می گبرد و برایشان سکه میکند و پس می دهد. خود این عنوان حق الضرب گرفتن از آنها بمنزله جوارى است که دولت برای استفاده نکردن از این حق انحصاری خودش باین شکل يك حقى میگیرد و جوز میدهد. این است دیگر چرا این طور بوده؟ برای این بوده است که این ضرب کردن را اگر دولت با وسائلی که داشت میخواست حق انحصاری خودش بسکند و باین حق انحصاری عمل کند و این حق انحصاریش را در خرید نقره حمل نقره و ضرب آن اعمال کند ممکن بود تولید يك ضرر ها و مشکلاتی برای دولت بسکند از حیث اینکه دولت يك تاجر و يك عامل خوبی نبوده و وسائل این کار را نداشته حالا اگر ما بیائیم این حق الضرب را آنطوری که آقا پیشنهاد میکنند سدی ده علاوه کنیم باید دید در ضمن این نظر در ضمن این رأی ما این حق را از خودمان سلب نمیکنیم و قسمی این حق را واگذار نمیکنیم که مجبور باشیم هر کس آمد و صد بیست بما داد برای او ضرب کنیم؟ اما امروز اینطور نیست اگر ما مصلحت مملکت را يك روزی در این به بینیم که سکه نقره باندازه کافی داریم و نباید ضرب کرد ضرب نمیکنیم اینجا ضرایخانه يك کار خانه عادی نیست که مزد بگیرد و برای مردم کار کند اینطور نیست. ضرایخانه برای احتیاج مملکت سکه نقره بیرون میدهد اگر يك وقتی ما لازم نداشته باشیم دیگر سکه نقره بیرون نمیدهد این يك مطلبی است که باید کاملا درش دقیق بود و رعایت کرد که عکس العملی در قضیه برای ما پیدا نشود بلی اگر آقای نوشهری نظرشان این باشد که میگویند سهولت ورود نقره در مملکت ما نقره را در بازار ما ارزان میکنند و ارزانی نقره موجب این میشود که پول خارجه که واحدش طلا است و روی لیره با دلار حساب میشود

بزرگترین بازار نقره است حالا ارقامش پیش بنده نیست حفظ هم ندارم و يك ارقام ناصحیحی را نمیبخواهم اینجا عرض کنم. در عالم مقایسه وقتی ما حساب میکنیم می بینیم از حیث ارقام نقره در درجه اول در چین است بعد در درجه دوم در هند بعد در نقاط دیگر و نقاط دیگر تا بیابند در آخر آخر برسد حاجتبیاج ما که اصلا قابل مقایسه با نقره دنیا نیست. معادن نقره کم شدن و زیاد شدنش هیچ مربوط بما نیست. پس قیمت نقره در لندن روی احتیاجات و کمی و زیادى بازار طهران معین نمیشود روی کمی و زیادى نقره در دنیا و احتیاجات دنیا معین میشود. واحد طلا و نقره هم روی آن پایه در دنیا معین است. این اصل واقع و حاق مطلب است

حالا برویم سر يك چیز دیگر که آقای نوشهری خواستند قبلا جواب بنده را بدهند از این جهت بنده توضیح میدهم برای اینکه آقایان تصدیق کنند که این جواب قبلی بسؤال مقدر بنده (که سؤال مقدر هم نبود برای اینکه قبلا به آقایان عرض کرده بودم) تطبیق با آنچه بنده عرض کردم نمیکند.

ایشان يك حسابی کردند این حساب را قبل از ایشان خود ما هم کردیم قبل از اینکه این لایحه را اصلا بمجلس بیاوریم با خود اعضاء کمیسیون قوانین مالیه که اینجا تشریف دارند یکی دو جلسه مذاکره کردیم مخصوصا بنده به آقایان اطلاعات دادم از روی ارقام که از روی اطلاع بحث کنند. نرخ نقره که در لندن چنانکه گفتیم معلوم میشود در آن تاریخ که بیست و هفت پنس یا بیست و شش پنس و نیم بود (بنده رقم نمیبخواهم عرض کنم برای اینکه اشتباه نشود در آن تاریخ ما بهر زحمتی که بود وقتی میزان قیمت نقره را نسبت بلیره می گرفتیم و خرج حمل بایران را حساب میکردیم حق الضرب را حساب میکردیم تنزیل پولش را حساب میکردیم همه اینها را که حساب میکردیم میدیدیم که مطابق نرخ سابق یا نرخ آن روز از نقطه نظر بازار دنیا لیره در طهران مثلا باید پنجاه و پنج قران باشد در

صورتیکه لیره ۴۹ قران بیشتر نبود. این تفاوت از کجا میآید و علتش چیست؟ يك سؤال استقهای خیلی بزرگی است. ملاحظه بفرمائید علت چه بود. ما از روی مقایسه خواستیم يك جوابی برای این پیدا کنیم. فکر کردیم که این چیز کوچکی نیست. چطور است که پول ما نسبت بطلا بیش از قیمت واقعی نقره قیمت دارد در صورتیکه واحد نقره است و نقره مال التجاره است حسابهایش را که میکردیم نفع و تنزیل و بیمه و کرایه همه اینها را که حساب کردیم باید مساوی در بیاید. پس این سری که ما داریم نسبت بلیره این از کجا آمده در این بحث و تحقیق کردیم به متخصصین خودمان رجوع کردیم به رئیس بانکمان رجوع کردیم تحقیقات از جاهای دیگر کردیم از متخصصین داخلی خودمان تحقیق کردیم آمدیم در ضمن عمل از بیست سال سی سال قبل این در ترقی و تنزل را با هم مقایسه کردیم قیمت واقعی نقره را نسبت بلیره لیره مقایسه کردیم به بینیم در ادوار مختلفه چه تأثیری اینها نسبت بهم داشته اند روی هر فته نتیجه که ما از این موضوع بدست آوردیم این بود که قیمت ملاحظه بفرمائید دو مطلب شد يك قسمت اول این شد که قیمت واقعی نقره نسبت بلیره مربوط بقیمت واقعی نقره در ایران نیست این محرز بعد رسیدیم بقیمت لیره و قران به بینیم قیمت لیره نسبت به قران در ایران مربوط بچیز است و چه صورتی دارد با قیمت واقعی نقره که دیدیم تطبیق نمیکند برای اینکه امروز دیدیم ما سرداریم و يك ادوار گذشته را هم که ما مقایسه کردیم دیدیم گاهی برعکس بوده و این مکرر اتفاق افتاده که تطبیق با قیمت واقعی نقره ندارد علتش این است (بدون اینکه بشود بطور قطع و از روی رقم معین کرد) که يك حوادث و قضایا و عوامل دیگری مؤثر در این قضیه بوده است که تنها عوامل واضح و آشکار نقره نیست. عوامل تجارتنی است عوامل اقتصادی است این یکی از دلائلی است که تأیید میکند عریاضی را که چندی قبل اگر خاطر آقایان باشد در پشت همین تریبون

عرض کردم راجع واردات و صادرات که ما مطابق يك قرائنی که در دستمان است و محاسباتی که میکنیم نمیتوانیم ارقامی را که از سرحد ما وارد و خارج میشود با هم بسنجیم ولی حقیقت امر را که نگاه میکنیم نمی بینیم که صادر و وارد ما با هم یا موازنه میکند یا باید گفت صادر ما بیشتر است

کازرونی - صحیح است .

وزیر مالیه - برای اینکه اگر اینطور نبود ای بسا چیز هایی است که باید صورت دیگر بگیرد و نمیگیرد در صورتیکه ارقام ظاهری گمرک را که ما نگاه میکنیم می بینیم جمع صادراتمان از وارداتمان خیلی خیلی پائین تر است . اگر نجات ما متخصصین اقتصادی ما باین ظواهر بخواهند نگاه کنند اینها البته از حقایق همیشه دور خواهند بود حقایق را باید از کلیه و جامعه مسائل پیدا کرد . بنده مثلی برایتان میزنم ! فلان صندوق زردک وقتی از گمرک ما بیرون میرود و فلان قیمت را روی آن میگذاریم و میگوئیم این تریاک بیست من یا بیست چهار من است فلانقدر هم قیمتش است این هم تا کاش است هیچکدام اینها صحیح نیست برای اینکه آنچه که و زارش است مخلوط دارد بیست و چهار من تریاک که میگوید دوازده من تریاک دارد و آن قیمتی که در آنجا معین میشود تاجر میبرد دو برابر آن قیمت میفروشد سه برابر آن میفروشد . این پولش کجا میرود ؟ پولش میآید در مملکت ما . پس يك عوامل دیگری در کار هست از قبیل عوامل اقتصادی عوامل تجارتی و چیز های دیگر مثلاً يك مردمی در این مملکت شما میخواهند پول خرج کنند کاردارند اینها چه جور پول خرج میکنند در مملکت شما ؟ باید لبره بفروشند قران بخرند این در هیچ اداره مملکت ما و در هیچ دفتری معلوم نمیشود در صورتیکه يك میلیون دو میلیون سه میلیون لبره در سال از پول خارج قران خریده میشود و در مملکت ما صرف میشود که در هیچ دفتری و هیچ احصائی ما اینها را نمیتوانیم پیدا کنیم و مقایسه کنیم . پس روبهمرقعه این قسمت ثانوی را هم

ما باید در نظر بگیریم که نه تنها قیمت لبره را نسبت بطلا بازار ما معلوم نمیکند بلکه اصل تناسب قران به لبره در مملکت ما پایه اش پایه تنها قیمت واقعی نقره نیست بلکه يك عوامل دیگری هم درش هست و آن عوامل است که تاثیر میکند و در صورتیکه از روی حساب لبره باید ۵۸ قران یا ۵۹ قران یا ۵۶ قران باشد کمتر است . حالا ملاحظه فرمائید . يك مرتبه شماری بینید در عرض بازده روز بیست روز لبره دو قران سه قران ترقی میکند چرا ؟ چه شده ؟ چه اتفاقی افتاده است ؟ نقره تنزل کرده است ؟ ابتدا . تناسب تنزل نیم پنس یا يك پنس در بازار لندن در يك لبره هم که امروز در بازار ما يك قران و سی شاهی تغییر نمیکند چنانچه ما دلیل برایش داریم از روی نرخ بورس لندن در بیست سال و سی سال پیش چه چیز است يك مرتبه يك مشتري پیدا میشود مجبور میشود در بازار طهران يك میلیون و نیم تومان لبره بخرد و این لبره را بفروشد بلندن طبعاً این تقاضا عرضه را بالا میبرد بحکم کلی اقتصادی و همین ترقی که اخیراً لبره در طهران کرده روی همین اصل بوده و بواسطه يك معامله که يك خارجی بابك نفر خارجی کرده در طهران در حدود يك میلیون و نیم تومان لبره خریده شده و طبعاً این کار لبره را ترقی میدهد ولی این يك ترقی نیست که اساس و دوام داشته باشد بلکه ممکن است قوس نزولی پیدا کند و پائین میآید .

کازرونی - در موقع فروش

وزیر مالیه - بلی همینطور است پس اگر آقایان درست دقت بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که ما نمیتوانیم باین صافی و سادگی و بمجرد نگاه کردن بظاهر يك امری در این قضایا يك حکمی بکنیم زیرا این قبیل قضایا خیلی عمیق و مربوط بیک چیز های خارج و خیلی عوامل دیگر است که ما خودمان هنوز نفهمیده ایم بلکه آنهایی هم که بهتر از ما می فهمند هنوز نتوانسته اند يك قسمت هایی را بفهمند و ادراك کنند و خیلی تعمق و فکر لازم است اما مسئله تفاوت شش در صدی که آقای

بوشهری خیلی سهل گرفتند آهم اگر درست ملاحظه بفرمایند این طور نیست ملاحظه بفرمائید ما آمده ایم این جا میگوئیم از تاریخ تصویب این قانون بعد شش در صد پول گمرک راجع به نقره را نخواهید داد اگر يك لبره چهار هزار پنج هزار شش هزار نفع کرد آن شش در صد را هم بگذارید رویش مثل حساب بیمه و کرایه آنوقت ممکن است نفعش از پنج قران به چهار قران سه قران تنزل کند ولی بالاخره هیچ نمیشود این سؤال آقا اگر وارد باشد و اگر همینطور است که فرمودند پس باید تمام مملکت مملو از نقره باشد مگر شما نمی خواهید از نقره نفع ببرید ؟ خوب شش هزار نبرید چهار هزار ببرید . شما میگوئید امروز بواسطه اینکه صد شش از خرج این کار کاسته میشود بنده هم موافقم . اما کمتر بودن نفع که وجود نفع را نفی نمی کند

اما با يك صد شش تمام انقلابات را می خواهید ایجاد کنید . صد شش يك نفع عادی هر معامله است نفع خیلی قلبی هم هست . يك صد شش این قدر تاثیر نمی تواند در معامله داشته باشد . من يك چیز دیگر خدمتشان عرض میکنم (يك دفعه دیگر هم خدمتشان عرض کرده ام) ساق بر این هم ورود نقره آزاد بود ولی با يك مقدار حقوق گمرکی . ما يك مؤسسه داریم که آن مؤسسه بدون حقوق گمرکی نقره را وارد مینمود ولی حالا که ما این قانون را وضع میکنیم همه را معاف میکنیم . چون هر مؤسسه تجارتی و اقتصادی مقصودش این است که انتفع ببرد . آن مؤسسه هم که این صد شش را نمیداد خیلی میل داشت نفع ببرد و شاید بیشتر . از دیگران هم می خواهد نفع ببرد برای اینکه اگر نقره زیاد و ارزان شود قیمت قران نسبت به لبره تنزل خواهد کرد و يك نفعی هم از این راه ممکن است ببرد یا يك نفعی از راه دیگر ببرد پس چطور شد که تمام بازار مملو از نقره نشد ؟ پس معلوم میشود اینطوریکه فرمودید و حساب کرده اید نیست ورود نقره هیچ اجازه نمی خواهد و همیشه آزاد بوده و هست این یکی

از اشتباهات است تفاوت معامله فقط در این جا است که سابقاً صد شش گمرک میداد و حالا دیگر نمیداد . حالا برویم سر مسئله سکه - پس از حبث ورود گمرک و صد شش آقایان تصدیق میفرمایند که قضیه قضوتی نمیکند آقا راجع به سکه فرمودند که اگر دولت سکه نکند شمش می ماند دست تاجر و او هم سکه نمیزند و دیگری میدهد بنده عرض میکنم اصلاً تجارت معنیش این است که انسان يك معامله بکند که از آن نا حدی که ممکن است نفع ببرد و وقتی در يك جائی دید نفع نمیرد دیگر تجارت نمی کند اگر این حکم طبیعی در دنیا نبود رقابت در تجارت و اصل عرضه و تقاضا اصلاً وجود پیدا نمیکرد شمش نقره را ما با تاجر برای چه میخریم و کرایه میدهیم و بیمه میکنیم ؟ برای این است که از آن نفع ببریم . خوب نفع از چه ؟ ما یدش خود مان حساب کرده ایم و دیدیم ضرائح خانه شمش را سکه کرده و بعد آنرا لبره میکنیم و میبریم لندن و در لندن میفروشیم و دو سه قران فائده میبریم . این يك مسئله و يك راه فائده يك مسئله دیگر اینکه شمش را میاوریم میفروشیم به زنجانی و اصفهانی و ادا قلم میزند و در آن کار و صنعت میکند فائده میبرد . تمام این عملیات را من که تاجر من آن روزی که فائده میبرم خواهم کرد ولی آن روز و دقیقه بدانی که دیدم دیگر وارد کردن نقره برای من که تاجر فائده ندارد ولی میکنم . حالا این فائده ندانن با بواسطه این است که نقره در بازار زیاد شده است و فائده نمیکند یا هر چه هست در هر حال من دیگر وارد نمیکم تاجر در هر رشته آن کسی است که همیشه اوقات وقایع آتی و سود آتی را پیش بینی کند و حساب کند نه اینکه پس از وقوع واقعه گریه کند . در این صورت همه ورشکست میشوند هر که این حال را داشته در دنیا خواه تاجر خواه سیاسی بالاخره محکوم میشود به ورشکستگی . در تجارت سیاسی یا اقتصادی هر کسی که پیش بینی و حساب داشته باشد و عوامل کار را درست در نظر داشته باشد و روی آن فکر کند و حساب شش ماه یکسال بعد را بکند موفق

میشود و الا ورشکست خواهد شد. خوب فرض بفرمائید شمش نقد آزاد و هی بیار بیار جز اینکه يك کروار در آخر کار اسان ورشکست بشود نتیجه دیگری ندارد این اصلا چه کاری است آنوقت اسم يك چنین شخصی را که ضرر بکند تاجر نمیشود گذارد.

اما آیدیم بر سر اینکه آقا فرمودند منع خروج طلا و تصویب قانونش يك ضرری بجا زده برای اینکه يك مقدار لیره در مملکت ما سابقه میآمد و حالا بکلی منع شده این اظهار نماینده محترم مثل این است که يك مقدار زیادی لیره در این مملکت میآمده و این قانون جلوش را گرفته و همینکه این قانون نسخ شود فوراً سيل لیره در این مملکت ساری و جاری میشود در صورتیکه این طور نیست آنوقت که لیره می آمد و میزفت شا بر يك مقتضیاتی بود و آن مقتضیات اینجا میگرد که لیره وارد مملکت ما شود و آن در موقع جنگ بین المللی بود بعد از جنگ هم تا مدتی باز آن مقتضیات موجود بود و بواسطه خارجی که داشتند لیره را باز میکردند و میآوردند اینجا و باین واسطه طلا ارزان شده بود ولی این مسئله دلیل بر این نیست که چون ما قانون منع خروج طلا را گذرانده ایم فوراً طلا در رفت اگر طلا فرار است در هر حال فرار میکنند اگر ما ورود طلا را منع کرده بودیم میفرمودید تقصیر ما است مطلب دیگر حالا ما میخواهیم به بینیم اگر بموجب يك دلائل و براهین در واقع ثابت شود که اگر ما در خروج طلا را باز و آزاد میگذاشتیم طلاها این جا می ماند در صورتیکه بنده دلیلی برایش نمی بینم و غیر از این جریانی که دارد تصور نمیکنم جریان و راه دیگری داشته باشد اگر حتماً باید طلا برود میسرود و اگر حتماً لیره باید از شمال بیاید میاید. حالا بنده میخواهم وقت آقایان را زیاد صرف کنم خیلی هم عذر میخواهم که درین قسمت مفصل عرض کردم اما چون يك مطالبی است که ظاهر جالبی دارد و ممکن است در يك اشخاص يك تأثراتی بکنند که در

خارج گوش میدهند و يك توضیحاتی را در مقابل نمی شنوند. این بود که بنده لازم دانستم و ناچار بودم این توضیحات را بعرض آقایان برسانم و عرض کنم که بنده با اضافه کردن حق الضرب مخالفتی ندارم اما به خود آقای بوشهری عرض میکنم که شما نخواهید که بنده يك چیزی را قانونی بکنم که مضر باشد و عکس العمل بد داشته باشد شما این اصل طبیعی را قبول داشته باشید که حق الضرب مال من است و این حق الضرب را من در عبادات هر ساله خودم معین میکنم و حق الضرب را در بودجه بجمع میآورم مگر هیچ قانونی شما دارید که حق الضرب من باید صدی دوازده باشد بنده که همچو قانونی سرخ ندارم اگر شما سراغ دارید بفرمائید بآقایان آن شما هنوز قانونی ندارید که در مملکت معلوم و مشخص کند که مثلاً يك قران مساوی است با يك مثقال نقره که صد ده عیار دارد. ولی اینها يك اعمالی است که از روی سوابق و عمل معلوم و ایجاد شده و ناشی از عملیات دولتی بوده و طرزی بوده که تا کنون دولت بان عمل میکرده و شما هم تصدیق ضمنی کرده اید این کار يك ترتیبی دارد و مدت منتهای هم در انجام مشروعلیت بدان عمل میشده و ثابت شده که مثلاً يك قران يك مثقال نقره است. پس این حساب از روی عمل برای ما معادله شده.

يك چیز دیگری بنده می خواستم عرض کنم و آن این است که تمام این عریاضی را که بنده کردم ممکن است يك وقایعی پیدا شود که در آتی ظاهر را طور دیگری نشان و جلوه دهد و در این صورت هیچ مانعی ندارد که بنده بیایم خدمتتان و عرض کنم که آن چیزی را که ما فلان طور پیش بینی کرده ایم باین ملاحظه فلان طور شده است و فلان طور باید اصلاح بشود و اصلاً حسن قانون هم همین است این حساب ها و قوانین برای معادله کردن است در صورتیکه به عقیده بنده این معادله کردن را خود طبیعت میکند و هیچ محتاج به قانون هم نیست اما فرض بفرمائید يك روزی برای معادله

کردن نقره با قران شما مجبور شوید حق الضرب را زیاد کنید در این صورت باز قضیه هیچ اشکالی ندارد و بنده خودم این کار را می توانم بکنم در هر حال مردم باید بدانند که این ضرب سکه حق من است و حق مردم نیست و این درست مثل قانون انحصار نریك می ماند. مگر پس از قانون انحصار نریك تجارت نریك حق کسی است؟ خیر. این حق دولت است منتهی بر حسب اجازه که بنده دارم می توانم به نجرار جواز بدهم و هر سال هم بابشان میگویم که فلان قدر حق جواز بدهید و بیایید جوازتان را بگیرید.

رئیس - رأی میگیریم قابل توجه بودن پیشنهاد آقای بوشهری. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - مذکور در کلیات است مخالفی نیست؟

آقا سید یعقوب - بنده عرض دارم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - در آن ماده که اکثریت مجلس رأی داد و بعدرفت به کمیسیون حالا در این جا باید دنیا بان رأی گرفته شود برای اینکه این پیشنهادی که کرده شد که اسکناس های تقلبی نباید در مملکت باشد در مجلس قبل توجه شد بعدرفت به کمیسیون و کمیون او را قبل توجه ندانست و حالا نانیاً باید رأی گرفته شود. راجع به خود لایحه هم اگر مقام ریاست میخواهد مطابق خبر کمیسیون رأی بگیرد آنوقت بنده يك عریاضی دارم که باید عرض کنم بیات مخبر کمیسیون قوانین مالیه - در این قسمتی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اگر درست توجه بفرمایند ملاحظه می کنند که از طرف مقام ریاست احتیاجی گرفتن رأی ندارد اگر کسی نانیاً آن پیشنهاد را طرح کند آنوقت باید رأی گرفته شود و الا اگر از طرف آقایان پیشنهاد نشود دیگر محتاج بگرفتن رأی از طرف مقام ریاست نیست.

رئیس - آقای میرزا بانس

میرزا بانس - بنده در لایحه عرض دارم.

رئیس - حالا نوبت شما نیست. آقای فهمی فهمی - موافقم.

رئیس - مذاکره در کلیات است.

بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست.

رئیس - رأی میگیریم بقانون ورود نقره با ورقه آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد.

(در این موقع خند و شجره آراء بعمل آمده هشتاد و شش ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین نود و پنج قانون آزادی ورود نقره با هشتاد و شش رأی تصویب شد.

اسامی رأی دهندگان - آقایان: مرآت اسفندیاری -

فهمی - شمیرانی - حاج میرزا حبیب الله امین - ناصری

مرضی قلیخان بیات - سید حسین آقایان - دکتر امیراعلم

شهداد - کلالی - دریائی - سید کاظم بزدی - اسکندری

بیات ماکوئی - همراز - مسعودی - لاریجانی - دهستانی - خواجوی

شریعت زاده - کاشانی - عامری - ملک زاده - دستانی

دکتر لقمان - ضیاء - ملک مدنی - ظفری - افسر - مفتی

فولادوند - مجدضیائی - محمد ولیمبرزا - طباطبائی وکیلی

فرشی - رهبری - کنیانی - طالش خان - کازرونی

امیر ابراهیمی - رفیع - حاج علی اکبر امین - آیه الله

زاده شیرازی - ذو القدر - رحیم زاده - غلامحسین میرزا

مسعود - حکمت - عرقی - هزار جریبی - عدل -

مصباح فطمی - عباس میرزا - میرزا بانس - نزرک نیا -

امین یور محسن - علیخان اعظم - بنکدار - طباطبائی دیبا

میرزا عبدالحسین خان دیبا - قاضی نوری - افخمی -

شیخ الملک - شریفی - اسدی - فتوحی - روحی - مؤید

احمدی - نوخت - بالیزی - سید مرتضی و نرق - ملک

آرائی - عمادی - مقدمه - خطیبی - زوار - شیخ محمد

جواد - حاج سید محمود - احتشامزاده - نجومی - محمد

علی میرزا دولتشاهی - بلخان - حسنعلی میرزا دولتشاهی

دکتر سنک - طلوع - اعتبار - ایزدی -

رئیس - ختم جلسه پیشنهاد شده است.

بعضی از نمایندگان - چرا؟

رئیس - بطوری که آقایان ملاحظه میفرمایند اصلاً اکثریت برای گرفتن رای نیست و بطوری که آقایان مستحضرند ما قریباً مصادف با عید می‌شویم و از شئون عید هم تعطیل است و چهاردهم عید هم مصادف با تغییرات داخلی مجلس خواهد بود و يك مدتی لازم است تا کارهای معوقه صورت داده شود بنا بر این اگر آقایان موافقت بفرمایند از روز شنبه مرتباً تا روز سه شنبه از سه بظهر جلسه داشته باشیم تا این کارهایی که مرکزیت پیدا کرده تمام تصویب شود و در این فاصله به نتیجه برسیم

آقای عراقی - اگر اجازه میفرمائید دو شنبه را خوب است تعطیل کنیم ولی شنبه و یکشنبه و سه شنبه و چهارشنبه را بنده هم عرضی ندارم

رئیس - اگر موافقت میفرمائید فعلاً شنبه و یکشنبه جلسه شود بعد اگر خود آقایان تصدیق فرمودند دو شنبه هم باشد

بعضی از نمایندگان - صحیح است
(مجلس يك ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)

قانون

آزادی ورود نقره و طلا و معافیت آنها از تادیه حقوق گمرکی

مصوب ۲۳ اسفند ماه ۱۳۰۷ شمسی

ماده اول - ورود نقره و طلا اعم از مسكوك یا غیر مسكوك آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود تبصره - سكه كردن مسكوك راجع ایران در خارج از ایران از این تاریخ ببعد ممنوع بوده و اجاره ورود باین قبیل مسكوكات داده نخواهد شد

ماده دوم - خروج نقره خواه بصورت شمش و خاك ممنوع است باستثنای مصنوعات نقره ایران یا خارجه و مسكوك خارجه تبصره - هر مسافری در موقع خروج از سرحدات مملکت میتواند تا میزان دوازده تومان مسكوك نقره همراه داشته باشد

ماده سوم - مقررات ماده اول قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ راجع بنقره ملغی است اینقانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه بیست و سوم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هفت شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر